

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبیر توخی

۱۱ جولای ۲۰۱۵

## سخنی چند با رفیق متبحر و مبارز "عزیز نعیمی"

رفیق اندیشمند و گرانقدر عزیز نعیمی!

نخست سلام های رفیقانه و پرحرارتم را بپذیرید.

نوشته پر محتوا و دفاعیه پر شور و جانانه تان از ستالین بزرگ تحت عنوان « قابل توجه داکتر صاحب هاشمیان » را با اشتیاق مطالعه نمودم؛ زیرا از مدتها بدینسو مطلبی به قلم پر درخشش و آتش افکن «آتش افکن به کانون های "دروغ پراگنی"، "نژاد ستیزی"، "خود مرکز بینی"، "نفاق اندازی" و...» شما را ندیده و نخوانده بودیم.

بگذار از محترم استاد هاشمیان صاحب ناشر مجله آئینه ای که سایر دوستان قلم به دست پورتال، به خصوص سخن پرداز و واژه شناس پرکار و ادیب برومند «معروفی صاحب» و شما را واداشت که به نقاط مهم (می شود گفت) نقاط حیرت برانگیز نوشته جناب ایشان درنگ کنید و واقعیت ها را آنطوری که به وقوع پیوسته (نه آنطوری که بی پایه و بی مایه، شکل و تزئین شده و به خورد خوانندگان گند ذهن و یا خالی ذهن داده شده) به روی سینه بی کینه و با حوصله کاغذ ترسیم نمائید.

من هم، مانند هر کمونیست راستین و پا برجا در سنگر مبارزه به ضد امپریالیزم تجاوزگر و اجیران جهادی و طالبی اش، با افتخار، پوست کنده و رگ و راست می نویسم که نوشته ها و رهنمود های پیشوایان پرولتاریای جهان (مارکس، انگلس، لنین، ستالین، مائوتسه دون) محتوای وجدان سیاسی و اخلاقی من را ساخته است.

زمانی که مفهوم این بخش از نوشته تان: «.....بدین وسیله با انجام وظیفه انسانی خویش حد اقل، صدای هر چند تنهایی را در مخالفت با عبرده کشی های مشتی پیرو مکتب "مک کارتیزم" بلند نموده باشم، تا کسی گمان نکند که هیچ فرد زنده ای بین آنهایی که افتخار به قبول "مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون" می نمودند، وجود ندارد» در ذهنم نشست، به راستی احساس ناراحتی کردم، که چرا شما صدای غرنده چون رعد تان را در جوی مغشوش و مسموم ساخته شده کنونی، تنها و بی همصدا تلقی کرده اید - در جوی که هر منتظری به نوبت نشسته، تا خمیر فطیر رنگ آمیزی شده خشکیده و بی مزه ضد کمونیستی و ضد ستالینی خود را بپزد و آن را برای خشنودی استادان زندگی گذشته و کنونی اش در راه گویا «مبارزه به ضد کمونیزم» به خورد مردم تشنه و گرسنه اش بدهد، تا پاس آموزه های استادان زندگی اش را به جا آرد.

رفیق نستوه و شجاع و متبحر نعیمی!

به این امر باید باورمند باشید که هیچ مبارز آزادیخواه و ضد اشکال وابستگی، به خصوص هیچ کمونیستی تنها نیست. کمونیست ها در بدترین شرایط، در جبهات داغ، در صحرا های سوزان و بی آب و علف، در سرمای کشنده

و یخبندان ها ، در شهر های محاصره شده توسط دشمنان مردم ، در اتاق های تحقیق ، در زیر شکنجه های وحشیانه دشمنان مردم و دشمنان کمونیزم ؛ ابداً احساس تنهائی نکرده اند ؛ زیرا که باور های ناشکستنی شان « باور به مردم ، باور به آزادی از اسارت بیگانه و دست نشانده ، باور به پیشوایان پرولتاریای جهان ؛ باور به جامعه بی طبقه ، باور به از میان رفتن تمام ادیان و خرافات و باور به کمونیزم» ، اتکای تزلزل ناپذیر و تخریب ناشدنی آنها بوده است و همچنان خواهد بود .

در این فشرده اعلام می دارم که هر گونه توهین و اهانت «نه از جانب کم سودان نشخوار کننده گپ اجیر شدگان و مزدبگیران امپریالیست ها ؛ بل از جانب روشنفکران تحصیل یافته ، معلمان ، استادان پوهنتون ها و آنانی که «سیاست» می کنند و برای تحکیم پایه های مالکیت خصوصی و تراکم سرمایه - و صحه گذاشتن و قانونی خواندن تجاوز به کشور شان ، با قدم و قلم - خدمت می نمایند» به کمونیزم ، به پیشوایان پرولتاریای جهان و به طور اخص به ستالین بزرگ (از جانب هر کی ، در هر مرتبه و مقام و بلندائی که قرارش داده باشد) را توهین به مردم خود، توهین به باور های خود و توهین به رفیق های زنده و رزمنده خود ، همچنان توهین به رفیق های اعدام شده خود در سراسر جهان دانسته ، و در برابر توهین کننده با خشم و کین انقلابی قرار می گیرم ؛ ولو تیغ زهر آگین توهین کننده آموزش دیده ، بالای سرم آونگ شده باشد . در غیر آن گپ و گفتم نیرزد به جوی .